شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه

سال پانزدهم
۲۷ فروردین ۱۴۰۳
۰۶ شوال ۱۴۴۵
شماره ۴۱۹۳

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۵-۱ ۳۷۲ ۸۸۸۸-۰۵۱
● نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
● روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲ ۰۵۱
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۶۵٪	↑ ۸° ↓ ۱۷°
صبح ۱۱	ظهر ۱۶
عصر ۱۷	شب ۱۲

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۰۴:۵۷:۲	نیمه شب شرعی ۱۸:۲۴:۲۴
غروب آفتاب ۱۱:۳۱:۲۸	اذان صبح فردا ۰۳:۲۶:۲۲
اذان مغرب ۱۸:۰۵:۳۶	طلوع آفتاب فردا ۰۴:۵۶:۰۰

کوچه

این فقط یک هشدار بود

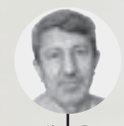

غلامرضا نبی اسدی
روزنامه نگار

هیچ گاه به دنبال جنگ نبوده و نیستیم. سابقه تاریخی ما روشن است. از منظر دینی هم معتقدیم باب آغاز جنگ و «جهادِ ابتدایی» در عصر غیبت بر ما بسته است، اما اگر دشمنی جنگ را بر ما تحمیل کرد، پرچم دفاع را غیرتمندانه برمی داریم. ما عزتِ ملی مان را پاس می داریم، جهاد دفاعی را بر خود واجب می شماریم و تا آخر می ایستیم. این را در دفاع مقدس هم چنان ثابت کردیم که ثبت تاریخ جهان شد. امروز هم به همان قاعده پایبندیم. نمی زنیم اما اگر کسی جسارت کرد، او را سر جایش می نشانیم. در برابر رژیم جعلی و موقت صهیونیستی هم منطق ما همین است. بارها و بارها شیطنت هایش را با صبر راهبردی رد کردیم، اما وقتی از خط قرمز ما رد شد و در کشور ثالث حرمت کنسولگری و به واقع خاک ما را شکست، باید جواب می دادیم. این جواب برای برقراری مجدد بازدارندگی است. ما سوزنشان را این بار در اندازه همان سوزن جواب دادیم، اما اگر جوالدوز بردارد، خنجر برخواهیم داشت. این را خوب می دانند که «زمان بزن در رو گذشته است.» یکی بزنند، ده تا می خورند. از نظر ما اقدام تنبیهی انجام شده و به آخر رسیده است. مگر اینکه دشمن دیوانگی کند و نقطه سر خط را در پیش گیرد. آن وقت ما هم تا آخر خط در هم کوبیدنش پیش خواهیم رفت. آنچه تا کنون انجام شد هم وفق مقررات بین المللی مبنی بر تنبیه متجاوز است. این را نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد هم تأکید و تصریح کرد. «اقدام نظامی ایران بر اساس بند ۵۱ منشور سازمان ملل متحد در خصوص دفاع مشروع در پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی به اماکن دیپلماتیک ما در دمشق بود.» او این پیام را هم داد که «موضوع را می توان پایان یافته تلقی کرد.
با این حال، اگر رژیم اسرائیل مرتکب اشتباه دیگری شود، پاسخ ایران به طور قابل توجهی شدیدتر خواهد بود.» ما، در این مرحله، به دنبال تنبیه متجاوز و ارتقای بازدارندگی هستیم، اما اگر پا را فراتر بگذارند در برداشتن گام های بلند و ضربه پشیمان کننده با همه یقینمان اقدام خواهیم کرد. آنچه انجام شد فقط یک هشدار بود. نه فقط به صهیونیست ها، که در قواره هماوردی ما نیستند، که به همه قدرت های جهانی و منطقه ای، به همه آن هایی که چشمشان چپ می شود به سوی ایران، همه آن هایی که می خواهند در گوشه ای از این خاک واجب الاحترام، کبریتی روشن کنند. هشدار می دهیم که اگر هوس جای هوشیاری شان بنشیند و خط قرمز ما را رد کنند، زمینِ زیر پایشان را قرمز خواهند دید. اگر صهیونیست ها گنبد آهنین دارند و پدافند چند لایه و حمایت همه قدرت های باطل، این ظرفیت برای دیگران مهیا نیست، این را رجز نپندارد. همه اعم از صهیونیست ها و حامیانشان و همه بدخواهان بدانند که ایران را برج و بارو بلند است. پس بر حذر باش که سر می شکند دیوارش.

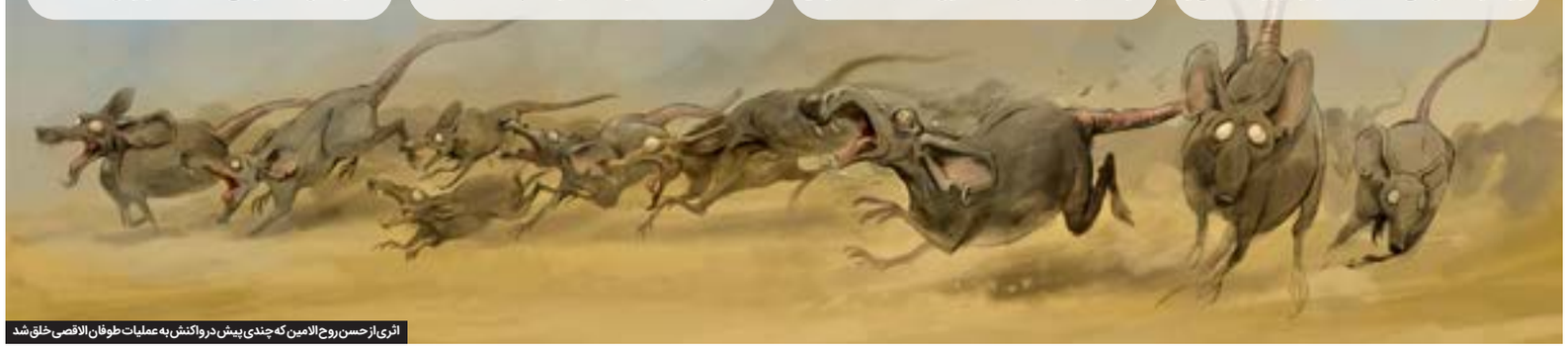

اثری از حسن روح الامین که چندی پیش در واکنش به عملیات طوفان الاقصی خلق شد

عکس روز

وعده خوب است که صادق باشد

دلاورمردان ایرانی در پاسخی قاطع و کوبنده به جنایت های رژیم غاصب صهیونیستی، بامداد یکشنبه ۲۶ فروردین در عملیات «وعده صادق» با رمز «یا رسول ا...(ص)» با موفقیت، اهدافی را در داخل سرزمین های اشغالی با ده ها فروند موشک و پهپاد مورد اصابت قرار دادند. در پی این افتخار ملی نه تنها مردم کشورمان که بسیاری از آزادی خواهان جهان به خیابان ها آمدند و فریاد شادی سر دادند. مردم مشهد نیز در حمایت از این اقدام در حرم مطهر امام رضا(ع) گردهم آمدند.

عکس: وحید بیات

چکامه

ناقوس مرگ

بنگر چه‌سان تعبیر شد کابوس اسرائیل ..... لرزید بر خود پیکر منحوس اسرائیل
عمری تظاهر کرد بر روئین تنی اما ..... برداشت ایران پرده از سالوس اسرائیل
دیگر به آژیر خطر هر دم کند تکرار ..... آهنگ مرگ خویش را ناقوس اسرائیل
از پا فتاد ای خودفروشان قامت دشمن ..... پس دست بردارید، از پابوس اسرائیل
بیم از چه دارید ای سران؟ جز عنکبوتی نیست ..... با بازوانی سست، اختاپوس اسرائیل
محو چه اید ای رهبران؟ جز پای زشتی نیست ..... لنگان و کج زیر پر طاووس اسرائیل
از عطسه چرکین غم تا خاک گردد پاک ..... باید که گردد ریشه کن ویروس اسرائیل
رحمی نباید کرد بر این غاصبان وقتی ..... کودک کشی فخر است در قاموس اسرائیل
ای شمس خاور سر برآر از پرده چون دیگر ..... دارد به پت پت می رسد فانوس اسرائیل

تازه‌ترین سروده افشین علا درباره عملیات بزرگ و بی سابقه رزمندگان ایرانی علیه رژیم غاصب صهیونیستی

اول شخص

من زنده‌ام هنوز و غزل فکر می کنم*

درباره محمدعلی بهمنی، شاعر معاصر کشورمان که امروز ۸۲ساله شد

آزاده چشمه‌سنگی
نویسنده

«تو می توانی شعر بگویی!» با همین یک جمله، چنان شوری در دل محمدعلی ۹ساله افتاد که تا یکی دو هفته تمام، سعی می‌کرد شعر بگوید. با خودش فکر می‌کرد وقتی عالی جناب فریدون مشیری بگوید تو می توانی شعر بگویی، لابد می‌توانم. بعد می نشست پای قلم و کاغذ، دستی به چانه ستون می‌کرد با ژست شاعران معروفِ توی عکس ها، منتظر می ماند تا شعر به سراغ او بیاید. اما سکوت، جاری ترین غزلی بود که به پهنای سفید کاغذ جاری می شد. آن روزها محمدعلی بهمنی به صلاحدید پدرش توی چاپخانه تابان کار می‌کرد. دو هفته گذشت، اما خبری از شعر نبود. استاد مشیری که به چاپخانه آمد پرسید: شعر گفتی؟ پاسخ داد: هرچه فکر می‌کنم نمی توانم. گفت: اگر به کسی که از همه بیشتر دوستش داری فکر کنی، می توانی برایش شعر بگویی. دنیای محمدعلی نوجوان، مادر مهربانش بود. زنی که او را با واژه و فرهنگ و ادب، آشنا کرد. زنی تحصیل کرده و شعرآشنا که کودکی محمدعلی و خواهران و برادرانش را با مرور شاهنامه و سعدی و حافظ، رنگین کرده بود. حالا شعر، بی معطلی به سراغش آمده بود.

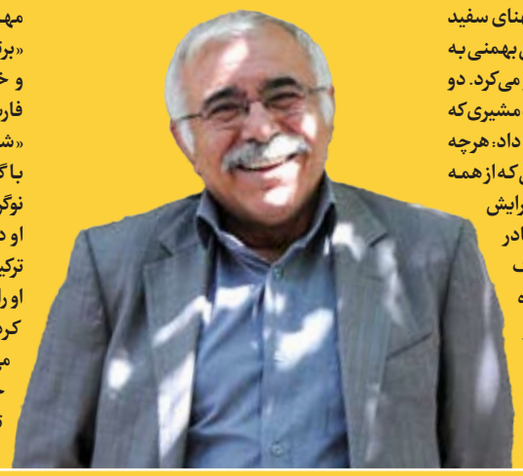

واژه ها یکی پس از دیگری به دست بوسی مادر آمدند و نخستین غزل محمدعلی بهمنی در ۹ سالگی متولد شد: ای واژه بکر جاودانه/ ای شعر موشح زمانه... شعری که خیلی زود در سال ۱۳۳۱ به واسطه فریدون مشیری که آن روزها مسئول صفحه «هفت تار چنگ» مجله «روشن فکر» بود، به چاپ رسید. پس از این تجربه شیرین و لذت بخش، محمدعلی بهمنی با آغوش باز به ملاقات غزل نشست و در ادامه راه، فعالیت خود را در رادیو و شبکه استانی خلیج فارس در سال ۱۳۴۵ توسعه داد.

او که اصالتا اهل تهران بود، به واسطه شغل پدرش در راه آهن، از سال ۱۳۵۳ در بندرعباس زندگی کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی به تهران آمد، اما در نهایت سال ۱۳۶۳ به بندرعباس برگشت و در همانجا ماندگار شد. پس از آن با هفته نامه «ندای هرمزگان» همکاری کرد و از تریبون صفحه «تنفس در هوای شعر»، هر هفته مخاطبان نشریه را به شعری تازه مهمان می‌کرد. فعالیت او در هرمزگان با مسئولیت چاپخانه «دنیای چاپ» بندرعباس و مدیریت انتشارات «چی چی کا» ادامه پیدا کرد. اما اینکه در سال ۱۳۷۸ تندیس «خورشید مهر» به محمدعلی بهمنی تقدیم شد تا عنوان دارِ «برترین غزل سرای ایران» باشد، به واسطه نبوغ و خلاقیت و احساس ویژه او در سرایش غزل فارسی بود. بهمنی که در میان اهالی ادبیات، به آغازگر «شعر گفتار» یا «غزل گفتار» شهرت دارد، غزل را با گوشه چشمی به شعر نیمایی به سمت و سوی نوگرایی برد و در این مسیر صاحب سبک شد. آثار او در دهه های اخیر با تلفیق و ترکیب مضامین و ترکیبات نو در ساختار سنتی غزل، به شکلی نوآورانه او را به یکی از پیشگامان غزل نئوکلاسیک تبدیل کرده است. تا به آنجا که گاه از قالب غزل خارج می شود و در بستر شعر نیمایی، افکار و احساسات خود را اعم از مضامین اجتماعی و عاشقانه، با تعابیر روان و تصاویر خیال انگیز به جان مخاطب می نشاند چنان‌که خود اذعان دارد: جسمم غزل است اما روحم همه نیمایی است / در آینه تلفیق این چهره تماشایی است.

محمدعلی بهمنی در طول سال های فعالیت خود در حوزه ادبیات، مدتی را با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همکاری کرد و دوره‌ای را بر کرسی ریاست شورای شعر نشست، اما در نهایت از هر دو عنوان کناره‌گیری کرد و در این میان، آنچه او را بیش از هرچیز در میان عامه مردم به شاعری اثرگذار بدل کرد، همکاری اش با خوانندگان برجسته و پرمخاطبی بود که ترانه ها و اشعارش را بر سر زبان ها جاری می‌کرد. همایون شجریان، علیرضا قربانی و تورج شعبانخانی از جمله این هنرمندان هستند، اما بیشترین و مؤثرترین همکاری او با مرحوم ناصر عبداللهی بود که حاصل موفق ده ها همراهی، تولید آثار دل نشینی از قبیل: «بهار بهار» و «هوای حوا» بود. حالا محمدعلی بهمنی، با چهارده مجموعه شعر در حالی به هشتادودو سالگی سلام می‌کند که به عنوان یکی از ارزشمندترین سرمایه های ادبیات معاصر، روشنای راه هزاران شاعر جوانی است که مشتاقانه در راه ترانه و شعر، قدم می‌گذارند.

*عنوان یکی از مجموعه اشعار استاد بهمنی که در سال ۱۳۸۸ منتشر شد.

گذری بر مجموعه آثار محمدعلی بهمنی

از دهه ۵۰ تا به امروز در میان آثار منتشر شده از محمدعلی بهمنی که عموما با زبانی ساده و تعابیرگیرا، طیف گسترده ای از مخاطبان گوناگون را به خود جذب کرده است، می توان اوزان و قالب های شعری مختلف از غزل و رباعی و شعر کلاسیک گرفته تا شعر نو را در خدمت مضامین متنوع مشاهده کرد. اولین اثر او با عنوان «باغ لال» در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید و پس از آن دفتر دوم خود را با عنوان «بی وزنی» در سال ۱۳۵۱ منتشر کرد. در این بین دفتر «گیسو، کلاه و دفتر» را در سال ۱۳۵۶ برای کودکان سرود و تا سال ۱۳۶۹ پس از وقفه ای طولانی، یکی از مهم ترین مجموعه اشعار خود با عنوان «گاهی دلم برای خودم تنگ می شود» را روانه بازار کرد و تا سال ۱۳۹۲ که تازه ترین مجموعه خود با عنوان «غزل زندگی کنیم» را انتشار داد، هشت مجموعه دیگر را در فواصل گوناگون در دست مخاطبان مشتاقش قرار داد.

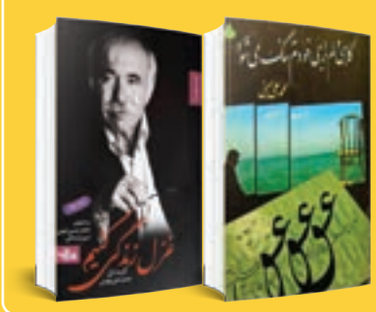

کارتون شهر

مسعود شجاعی طبایی

بدون شرح...

شوخی بی شوخی

سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل:

کاش پوشک آهنین داشتیم!

مهدی محمدی
طنزپرداز

امروز و پس از حمله موشکی پریشب یک تک پا تا وزارت خارجه رژیم صهیونیستی رفتم تا با «لیور حایات» سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل مصاحبه کنم. ولی دوروبر وزارت کسی دیده نمی‌شد. ازهمان جا دادزدم: لیور! لیور! کجایی؟ بدو بیا باهات مصاحبه کنم. نکنه از موشک ها ترسیدی قایم شدی؟
ناگهان دیدم لیور از پشت شمشادها نفس زنان آمد بیرون و گفت: م...م....من وت...ت...ترس؟
چون صدایش می لرزید و نمی توانست راحت حرف بزند چند دقیقه صبر کردم تا حالش سر جایش بیاید. بعد گفتم: حتما از موشک ها ترسیدی که قایم شدی؟
– نه. ترس چیه. این بازی قایم موشکه. یعنی موقع اومدن موشک، قایم بشیم.

+ یعنی از حمله موشکی ناراحت نشدی؟

– نه اصلا. خیلی هم خوب بود. راستش ما دوست داشتیم موشک های ایران رو از نزدیک ببینیم و باید جاسوس می فرستادیم، ولی خودشون موشک ها رو فرستادند و ما از نزدیک دیدیمشون. از خیلی خیلی نزدیک.

+ خوب حالا برنامه تون چیه؟

– هیچی. فقط به سازمان ملل پیام دادیم که ایران فقط باید پرچم ما رو آتیش بزنه نه کشور ما رو!

+ مردم اسرائیل چه احساسی دارند؟

– همون احساسی که بقیه مردم بعد از بارش سنگین برف دارند.

+ متوجه نمی شم. بارش سنگین موشک و بارش سنگین برف چه ربطی به هم دارند؟

– هر دوشون باعث تعطیلی مدارس شدن. بچه خودمم خوشحال شد امروز مدرسه نرفت. آخه امتحان داشت ولی درس نخونده بود.

+ پس ناراحت هم نیستید که چند میلیون دلار صرف مقابله با این حمله شد.

– ببینید! پول اصلا مهم نیست. مهم انسانیت هست که البته برامون همون هم مهم نیست.

+ بله. اینو که از حمله پارسالتون به بیمارستان کودکان شهر غزه فهمیدم. حالا به نظرت گنبد آهنین مفید بود؟

– خوب بود ولی اگر همون اول به جای گنبد آهنین یک چیزی به نام پوشک آهنین درست کرده بودیم مفیدتر بود.

+ خوب اگر پیامی برای مردم ایران داری بگو.

– من فکر می کردم فقط صدای مرگ بر اسرائیل ترسناکه ولی صدای موشک ها وحشتناک تر بود.